

نوسانات انگیزشی فراگیران ایرانی زبان انگلیسی در جریان انجام تکالیف در بازه‌های زمانی مختلف: چشم اندازی تعاملی و پویا

هادی یعقوبی‌نژاد^۱، احمد معین زاده^{۲*}، حسین براتی^۳

۱. دانشجوی دکتری آموزش زبان، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۲. دانشیار آموزش زبان، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۳. استادیار آموزش زبان، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

انگیزش لازم برای یادگیری یک زبان جدید تأثیری صفر و صدی ندارد. این انگیزش در طول زمان تدریجاً شکل گرفته و مدام تغییر می‌یابد و هر یک از بازه‌های زمانی دارای سطوح مختلفی از تأثیرگذاری بر روی تلاش فرد برای یادگیری یک زبان است. در زمان حاضر، اندیشمندان بر این باورند که بازه‌های زمانی مختلف در جریان شکل‌گیری زبان دوم با یکدیگر تعامل دارند و چنین تعاملی ماهیتاً غیرخطی، پیچیده و پویاست (de Bot, 2015). هدف از انجام این تحقیق بررسی پویایی انگیزشی موجود در گروهی از فراگیران زبانی در جریان بازه‌های زمانی طولانی است، که خود این بازه‌ها متشکل از تعدادی از تکالیف هستند که در بازه‌های زمانی کوتاه‌تر انجام می‌گیرند. به منظور یافتن تعامل موجود میان عناصر انگیزشی مختلف، تعداد ده نفر شرکت‌کننده در آغاز دوره آموزشی، در حین انجام تکالیف و در پایان دوره مورد مصاحبه قرار گرفتند. یافته‌ها حاکی از وجود نوسانات مقطعی در میزان انگیزش شرکت‌کنندگان بود. بعلاوه، نتایج تحقیق از این حقیقت پرده برداشت که عناصر انگیزشی در جریان دوره و در هنگام انجام تکالیف به یک اندازه کارآمد نبودند. بعنوان مثال، عوامل بیرونی و سطح مهارت زبانی بعنوان دو عامل انگیزشی آغازین به تدریج و در طول ترم با عوامل درونی و لذت یادگیری زبان جایگزین شدند. در عین حال، اهداف شخصی در یادگیری زبان دوم در طول این بازه‌های زمانی به یک اندازه تأثیرگذار بودند. علاوه بر این، انگیزش شرکت‌کنندگان متشکل از مجموعه‌ای از عوامل پویا و بهم وابسته بود که در طی بازه‌های زمانی مختلف نوسان داشتند. در پایان، تلویحاتی تحقیقی از یافته‌های این مطالعه حاصل شدند.

واژگان کلیدی: انگیزش، بازه‌های زمانی، شکل‌گیری زبان دوم، پویا، پیچیده

۱. مقدمه

عوامل درونی و بیرونی بسیاری وجود دارند که در فرایند فراگیری زبان دوم دخیل هستند (Dörnyei, 2005). جای هیچ تردیدی وجود ندارد که یکی از مهم‌ترین این عوامل انگیزش است. در طول سال‌های گذشته اندیشمندان تلاش نموده‌اند مفاهیمی را ارائه دهند که انگیزش فراگیران برای فراگیری زبان دوم را توضیح دهند. در نتیجه، مدل‌های مختلفی (به عنوان مثال، مدل‌های فرآیند-محور^۱، سیستم خودهای انگیزشی زبان دوم^۲، ...^۳) عرضه گردیدند تا ماهیت انگیزش افراد برای فراگیری یک زبان دوم را تشریح نمایند (Dörnyei, 2005, 2009; Dörnyei & Ottó, 1998). به تازگی بر روی قابلیت بکارگیری نظریه‌ی آشوب^۴ و نظریه‌ی سیستم پویا^۵ در یادگیری زبان تاکید گردیده است (Dörnyei, 2014; Larsen-Freeman, 2015). در این دیدگاه، انگیزش زبان دوم ناپایدار و متغیر، و نه ثابت و ساکن، فرض می‌گردد. علاوه بر این، مفهوم بازه‌ی زمانی^۶ اخیراً توسط دی‌بات (۲۰۱۵) به حوزه‌ی زبان دوم معرفی گردیده است. او بر این باور است که سیستم‌های فرعی موجود در سیستم زبان در طول عمر آدمی در تمامی بازه‌های زمانی شکل می‌یابند و این بازه‌های زمانی با یکدیگر تعامل دارند. مساله حایز اهمیت دیگر این است که در حین انجام تکالیف زبانی انگیزش به نحو پویایی درگیر است و نوسانات موجود در این انگیزش نتیجه‌ی روابط درونی و پویای موجود در میان طیفی از ملزومات مکانی و موقعیتی تکالیف است (Poupore, 2013).

با توجه به آنچه در بالا اشاره گردید پر واضح است که انگیزش لازم برای یادگیری یک زبان جدید به شدت متأثر از احتمالات زمانی/مکانی پیشبینی نشده و در نتیجه الگوهای تعاملی متفاوت موجود میان عناصر انگیزشی مختلف است. برآیند همه این اتفاقات می‌تواند در یک لحظه یک زبان آموز با انگیزه را بی انگیزه سازد و یا برعکس. از آنجاییکه میزان انگیزش افراد رابطه مستقیمی با میزان یادگیری شان دارد، در نتیجه لازم است که ملزومات زمانی و موقعیتی که می‌توانند بر این امر تاثیرگذار باشند شناسایی گردیده و در راستای حذف عوامل بی انگیزگی و حفظ و تقویت عوامل انگیزشی تلاش گردد. لذا، هدف تحقیق حاضر این است که میزان انگیزش زبان‌آموزان در جریان انجام تکالیف زبانی و نیز میزان انگیزش عمومی آنها در طول یک ترم تحصیلی را مورد بررسی قرار دهد، تا بتوان پی برد که چه تغییرات احتمالی در انگیزش آنها رخ می‌دهند و چه عواملی بر این تغییرات تاثیر می‌گذارند. بدین طریق، انگیزش

زبان دوم در بازه‌های زمانی کوتاه و بلند مدت مورد مقایسه قرار گرفته و تعاملات و ارتباطات احتمالی موجود در میان مولفه های انگیزشی آشکار خواهند گردید. به علاوه، این تحقیق به مطالعه‌ی شواهد و دلایل شرکت کنندگان برای چنین نوساناتی در میزان انگیزش‌شان می‌پردازد. در این تحقیق به سوالات زیر پرداخته می‌شود:

۱. انگیزش مربوط به تکالیف چه تاثیری بر انگیزش مربوط به کل ترم تحصیلی دارد؟
۲. چه نشانه‌ی مشهودی از وجود سیستم پویا و پیچیده در انگیزش زبان‌آموزان در جریان تکالیف و طول ترم وجود دارد؟
۳. دانش‌آموزان برای تغییرات در شدت انگیزش‌شان چه نوع شواهد و دلایلی را فراهم می‌سازند؟

۲. پیشینه‌ی تحقیق

۱-۲. رویکرد سیستم پویا و پیچیده به انگیزش زبان دوم

تأکیدات اخیری که بر روی قابلیت کاربرد نظریه‌ی آشفتگی و نظریه‌ی سیستم پویا در یادگیری زبان (de Bot & Dörnyei, 2014) وجود داشته محققان حوزه‌ی انگیزش را بر آن داشت تا به بازبینی این بعد مهم یادگیری زبان از این دیدگاه جدید بپردازند. در این دیدگاه، تصور می‌شود که انگیزش زبان دوم گاه‌آ پایدار باشد و در زمان‌های دیگر بی‌ثباتی، تغییر و نوسان را از سر بگذرانند، و در برخی اوقات دیگر مجدداً پایداری را تجربه نماید (Dörnyei, 2014; Dörnyei et-al, 2015). به جای آنکه انگیزش یک ساختار ثابت و تغییرناپذیر باشد، متحمل تغییر و بی‌ثباتی مداوم می‌شود (Larsen-Freeman, 2015; Waning et-al, 2014).

برخی از تحقیقات صورت گرفته در زمینه زبان دوم شواهدی از وجود تنوع، پویایی و پیچیدگی در انگیزش زبان آموزان یافتند (Shoib & Campbell & Storch, 2011; Dörnyei, 2005). شعیب و دورنیه در پژوهشی نسبتاً بدیع به حوزه‌ی اساساً بررسی نشده‌ای در تحقیقات انگیزشی پرداختند که عبارت از ارزیابی زمانی انگیزش دانش آموزان در طول یک دوره‌ی طولانی‌تر در جریان زندگی بود. این محققان مجموعه‌ای از «بخش‌های انگیزشی در حال تغییر»^۱ را آشکار کردند که دارای تأثیر مثبت یا منفی بر روی یادگیری زبان خارجی بودند. به‌علاوه، علایم حاکی از وجود پویایی و پیچیدگی در انگیزش لازم برای یادگیری زبان دوم در

گروهی از فراگیران غیر انگلیسی زبان نیز گزارش گردید (Campbell & Storch, 2011). در سال‌های اخیر شاهد احیای علاقه به پژوهش‌های انگیزشی در زمینه یادگیری زبان خارجی در ایران بوده‌ایم، بویژه پس از اینکه مدل سیستم خودهای انگیزشی زبان دوم به این حوزه معرفی گردید. پاپی و تیموری (۲۰۱۲) تکامل زمانی ویژگی‌های انگیزشی سه گروه ایرانی فراگیر زبان انگلیسی (دانش‌آموزان راهنمایی، دبیرستان و دانشجویان) را مورد بررسی قرار دادند. نتایج آنها یک الگوی انگیزشی به ترتیب پایین، بالا و پایین را برای این سه گروه نشان داد. این محققان قدرت قابل توجه تصویر ایده آل دانش‌آموزان دبیرستانی نسبت به دیگر گروه‌ها را به موقعیت اجتماعی-آموزشی کلی ایران نسبت دادند، که در آن دانش‌آموزان دبیرستانی برای تشکیل تصاویری ایده‌آل از خودهای آینده‌ی خویش از لحاظ آموزشی و شغلی در سنی حساس قرار دارند. آنها گزارش کردند که یافته‌های آنها به طور مسلم از یک رویکرد پویا نسبت به انگیزش زبان دوم حمایت می‌کنند. یعقوبی‌نژاد و همکاران (۲۰۱۶) پویایی انگیزشی گروهی از زبان‌آموزان ایرانی را در طول سه بازه‌ی زمانی مورد مطالعه قرار دادند. این محققان دریافتند که صرف‌نظر از وجود موضوعات بخصوص انگیزشی در طول هر بازه‌ی زمانی، انگیزش برای یادگیری یک زبان خارجی از روابط پویا، پیچیده و به هم مرتبط بین عوامل مختلفی تشکیل می‌شد که در طول زمان تغییر می‌کردند و در هر مرحله‌ی بخصوص قدرت انگیزشی متفاوتی داشتند.

۲-۲. رویکرد زمانی به انگیزش زبان دوم

مفهوم بازه‌ی زمانی به تازگی توسط دی‌بات (۲۰۱۵) به حوزه‌ی زبان دوم معرفی گردیده است. او بر این باور است که سیستم‌های فرعی موجود در سیستم زبان در طول عمر آدمی در تمامی بازه‌های زمانی (دهه‌ها، سال‌ها، ماه‌ها، هفته‌ها، روزها و حتی لحظه‌ها) توسعه می‌یابند. این بازه‌های زمانی مختلف تنها در تعامل با یکدیگر می‌توانند یک تصویر تمام و کمال از توسعه‌ی زبان را آشکار سازند. این تعامل نتیجه‌ی پیچیدگی موجود در فرایند یادگیری زبان است، و نیز این حقیقت که توسعه‌ی زبان در یک بازه‌ی زمانی تحت تاثیر آن چیزی قرار دارد که در بازه‌های زمانی کوچکتر یا بزرگتر در حال وقوع است. به این جهت، بررسی پدیده‌ها تنها در یک بازه‌ی زمانی حق مطلب را ادا نخواهد کرد. بعلاوه، گنجاندن تمامی بازه‌های زمانی محتمل در

یک تحقیق واحد در خصوص توسعه‌ی زبان دوم نیز ممکن نخواهد بود. لذا، بهترین گزینه این است که حد وسط این دو حالت را در نظر گرفته و آن بازه‌ی زمانی را در نظر بگیریم که دارای بیشترین میزان ارتباط با مولفه‌ی مورد مطالعه است. بعنوان مثال می‌توان به مطالعه‌ی انگیزش در جریان یک ترم تحصیلی یا در زمان انجام تکالیف زبانی و یا حتی مقایسه‌ی شدت انگیزش در بازه‌های زمانی مختلف پرداخت.

ماهیت زمانی و موقعیتی مربوط به انگیزش توسط تعدادی از محققان مورد مطالعه قرار گرفته است (Busse & Walter, 2013; MacIntyre & Serroul, 2015; Waninge et-al, 2014). یافته‌های آنها از این امر حکایت دارد که انگیزش برای یادگیری یک زبان خارجی می‌تواند نوسانات زمانی و موقعیتی را تجربه کرده و ممکن است بر یک مبنای لحظه به لحظه تغییر یابد. مک اینتایر و سرول (۲۰۱۵) نشان دادند که انگیزش برای یادگیری یک زبان خارجی می‌تواند به صورت لحظه به لحظه تغییر کند و ممکن است تحت تأثیر انواع مختلف انگیزش در بازه‌های زمانی مختلف قرار بگیرد. هنری (۲۰۱۵) به مطالعه پویایی انگیزشی گروهی از فراگیران سوئدی پرداخت که فرانسه را به عنوان یک زبان سوم می‌آموختند. او با استفاده از یک رویکرد سیستم پویا و پیچیده برای بررسی فرایندهای تغییر در سیستم‌های انگیزشی دریافت که حتی سیستم‌هایی که در طول بازه‌های زمانی طولانی تر نسبتاً پایدار بودند در طول بازه‌های کوتاه تر نوسانات و تغییرات قابل توجهی را تجربه کردند.

۲-۳. انگیزش مربوط به تکالیف زبان دوم

تکالیف را می‌توان به عنوان «متغیرهای اولیه‌ی آموزشی و یا اجزاء سازنده‌ی یادگیری کلاسی انگاشت» (Dörnyei, 2002: 137). تکالیف به محققان کمک می‌کنند تا فرایند پیچیده‌ی یادگیری را به واحدهای کوچکتر دارای مرزهای معین تجزیه نمایند. به همین خاطر، در جریان دهه‌ی گذشته، محققان زبان دوم بیش از پیش به تحلیل تکالیف توجه نموده‌اند (Dörnyei, 2002, 2009). طبق دیدگاه دورنیه هر تکلیف «احتمالات انگیزشی متفاوتی را فعال می‌سازد که به فرایندهای انگیزشی پویایی منجر می‌گردند. این فرایندها مبنای تکمیل نمودن تکالیف هستند» (۲۰۰۹: ۱۰).

دورنیه (۲۰۰۲) به تحلیل تأثیر انگیزش فراگیران بر روی مقدار گفتگوی تولید شده در یک

تکلیف بحث انگیز پرداخت. یافته‌های او حاکی از این امر بود که انگیزش زبانی هرگز ایستا نیست اما منوط به تأثیرات اجتماعی مختلفی که فعالیت را احاطه کرده اند به طور مداوم در حال افزایش و کاهش است. پاپور (۲۰۱۵) به کاوش رابطه‌ی بین پویایی کار گروهی و پاسخ‌های انگیزشی فراگیران در تکالیف تعاملی پرداخت. در این تحقیق روابط قابل‌توجهی بین پویایی کار گروهی و انگیزش انجام تکلیف و تولید زبان مشاهده شد. به علاوه، بین رفتارهای غیرکلامی و انگیزش انجام تکلیف فراگیران هم بستگی قابل توجهی شناسایی شد.

اگرچه چندین تحقیق اخیر به بررسی پویایی انگیزش در دوره‌های کوتاه مدت زمانی (MacIntyre & Serroul, 2015; Waninge et-al, 2014) پرداخته‌اند، اما تحقیقات کمی این امر را در بازه‌های زمانی طولانی‌تر مورد بررسی قرار داده‌اند. تحلیل میزان پویایی انگیزش در طول دوره‌های طولانی‌تر نه تنها حقایق بیشتری را در خصوص عوامل تاثیرگذار بر انگیزش زبان دوم آشکار می‌سازد بلکه نشان می‌دهد که کدامیک از متغیرها دارای بیشترین تاثیر در بازه‌های زمانی مختلف است. علاوه بر این، تحقیق طولی این چینی روشنگری بیشتری در خصوص تاثیر زمانی متغیرهای مختلف خواهد داشت. به عبارت دیگر، این گونه تحقیقات نشان می‌دهند که چه عواملی تاثیر ماندگارتری بر متغیر مورد مطالعه دارند و کدامیک از آنها تنها در طول یک زمان یا تکلیف خاص تاثیرگذار هستند؟ به علاوه، بررسی تعامل موجود میان بازه‌های زمانی مختلف در فرایند توسعه‌ی زبان دوم یک حوزه‌ی تحقیقی نوین است که از اهمیت بالایی برخوردار است. بنابراین، این تحقیق تلاش می‌کند تا به بررسی دقیق میزان پویایی موجود در انگیزش گروهی از زبان‌آموزان در جریان انجام تکالیف خاص زبان دوم و نیز در طول یک ترم تحصیلی بپردازد و هدف خاص آن پی بردن به این مسئله است که تجارب انگیزشی فراگیران چگونه در جریان بازه‌های زمانی مختلف تغییر می‌کنند و با هم تعامل دارند. علاوه بر این، این مطالعه به بررسی شواهد و دلایل احتمالی فراگیران برای نوسانات ممکن در شدت انگیزش آنها می‌پردازد.

۳. روش و رویکرد تحقیق

۳-۱. شرکت‌کنندگان

این تحقیق بر روی ۱۰ دانشجوی رشته زبان انگلیسی انجام پذیرفت که در یک کلاس درس مهارت‌های زبانی در دانشگاه خوارزمی تهران شرکت کرده بودند. آنها از میان دانشجویان پسر و دختر انتخاب شدند (جدول ۱ را ببینید). سطح تسلط آنها بر زبان با استفاده از آزمون تعیین سطح آکسفورد^۷ سنجیده شد و آنها در سطح متوسط قرار داشتند. اطلاعات جمعیت‌شناسی این شرکت‌کنندگان (به عنوان مثال سن، جنسیت، تجربه‌ی یادگیری و ...) از طریق پرسش‌های کوتاهی پیش از دور اول مصاحبه‌ها جمع‌آوری گردید. در برگه‌ی اطلاعات در خصوص این تحقیق به روشنی به آنها اطلاع داده شد که مشارکتشان در این تحقیق کاملاً داوطلبانه بوده و لذا شرکت یا عدم شرکت در آن به هیچ وجه بر نمره‌ی آنها تأثیر نخواهد گذاشت. به منظور حفاظت از هویت افراد، در هنگام ارائه‌ی نتایج کیفی از اسامی مستعار استفاده شد.

جدول ۱: اطلاعات جمعیت‌شناسی شرکت‌کنندگان

نام	سن	تجارب قبلی زبان دوم (به ماه)
مهدی	۲۲	۱۴
فاطمه	۲۶	۱۹
هانیه	۲۴	۱۶
رضا	۲۷	۲۲
بهراد	۱۹	۸
سپهر	۱۸	۱۱
سجاد	۲۶	۲۶
زهرا	۲۸	۲۰
ابوالفضل	۲۳	۱۷
ضحی	۲۵	۲۱

همانگونه که می‌توان در این جدول دید، ۶ دانشجوی پسر و ۴ دانشجوی دختر در این

تحقیق شرکت داشتند. سن این گروه از ۱۸ تا ۲۸ سال بود (میانگین = ۲۳٫۸) و تجربه زبانی شان بین ۸ تا ۳۲ ماه بود (میانگین = ۱۸٫۴)

۳-۲. ابزار تحقیق

از آنجایی که در تحقیق حاضر زمان و ملاحظات زمانی بسیار حائز اهمیت هستند، چندین چرخه‌ی جمع‌آوری داده‌ها پیش‌بینی گردیدند تا نوسانات انگیزشی را در مقاطع زمانی کوتاه‌مدت و درازمدت آشکار سازند. در هر یک از این چرخه‌ها، داده‌ها بصورت کیفی و از طریق انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند با شرکت‌کنندگان گردآوری شدند. در واقع، میزان پویایی و پیچیدگی موجود در انگیزش را می‌توان به این شیوه‌ی کیفی، مفصل و درون‌نگرانه بهتر سنجید (Dörnyei, 2014). به این منظور، سه مرحله مصاحبه وجود داشت. سوالات مصاحبه به نحوی طراحی شدند تا بتوانند به بررسی انگیزش آغازین (دور اول)، انگیزش تکالیف (دور دوم) و نوسانات انگیزشی در طول زمان و نیز علل چنین نوساناتی (دور سوم) بپردازند. به ترتیب ۷، ۸ و ۹ سوال در این سه دور از مصاحبه وجود داشتند. در واقع، هدف از طراحی این سوالات این بود که بتوان نشانه‌های مشهود یک سیستم پویا و پیچیده‌ی موجود در انگیزش شرکت‌کنندگان در جریان تکالیف و در طول ترم تحصیلی، نوسانات در این انگیزش و نیز شواهد و علل چنین نوساناتی را استخراج نمود.

ابزار دوم تحقیق شامل تعدادی تکالیف مربوط به زبان دوم بود. نوع تکالیفی که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفت تکالیف استدلالی بود که توسط کورمس و دورنیه (۲۰۰۴) ارائه گردیدند. آنها در تحقیق‌شان این تکالیف را به عنوان فعالیت‌های تعاملی حل مسئله طراحی کردند تا استدلال‌هایی را پیرامون مسائل روزمره‌ی مدرسه استخراج نمایند. در این تکالیف دانش‌آموزان بر اساس موقعیت‌های فرضی در گروه‌های دو نفره کار می‌کردند و از میان فهرستی از گزینه‌ها مواردی را انتخاب و اولویت‌بندی می‌کردند. به عنوان مثال، از آنها خواسته می‌شد که فرض نمایند که عضوی از کمیته‌ی دانش‌آموزی مدرسه هستند و به آنها گفته می‌شد که مدرسه‌شان می‌خواهد در پروژه‌ی زندگی اجتماعی مربوط به منطقه شرکت کند و از آنها می‌خواهد به این پروژه کمک کنند. آنها می‌بایست ده پیشنهاد را می‌خواندند (به عنوان مثال، کمک در کتابخانه، ارائه‌ی اطلاعات گردشگری و ...) و براساس سلیقه خود پنج پیشنهاد را

اولویت بندی می‌کردند. سپس از آنها انتظار می‌رفت که انتخاب‌های خود را با دوست خود مقایسه کرده و از طریق گفتگو به نوعی سازش و مصالحه دست یابند. وظیفه‌ی نهایی آنها این بود که به کمک یکدیگر سه فعالیتی را انتخاب نمایند که آنها را به مدیریت مدرسه پیشنهاد می‌دهند.

۳-۳. تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌ها از چارچوب پنج مرحله‌ای ارائه شده توسط ریچی و اسپنسر (۲۰۰۲) استفاده گردید. ابتدا داده‌ها رونویسی شد. سپس یک چارچوب موضوعی بر مبنای پاسخ‌های شرکت‌کنندگان طراحی گردید. در جدول ۲ می‌توان این چارچوب موضوعی را به همراه نمونه‌هایی از پاسخ‌های شرکت‌کنندگان برای هر یک از مولفه‌های انگیزشی یافت. در گام سوم، داده‌ها با استفاده از این چارچوب مورد تحلیل قرار گرفت و وجود یا عدم وجود موضوعات انگیزشی عمده در هریک از دوره‌های مصاحبه در این مرحله شناسایی شد. سپس بازنویسی‌های مربوط به نظرات شرکت‌کنندگان به همراه چارچوب فوق‌الذکر به یک محقق مستقل و آشنا با انگیزش زبان دوم و تحقیقات کیفی ارائه شد تا وجود پایایی میان ارزیاب‌ها^۹ چک گردد. سرانجام مصاحبه‌گر نمایه‌های انگیزشی را برای هر یک از شرکت‌کنندگان خواند تا اطمینان حاصل کند که نتایج و تفاسیر درستی استخراج شده‌اند (Denzin & Lincoln, 2005). بدین طریق شرکت‌کنندگان این فرصت را داشتند که هرگونه سوء برداشت را برطرف کرده و از این رو از تفسیر دقیق داده‌ها توسط محقق اطمینان حاصل نمایند.

جدول ۲: چهارچوب موضوعی برای کدگذاری مصاحبه‌ها

مقاله	مقاله موضوعی
چندین بار به خارج سفر کرده ام و در آنجا هیچ مشکلی برای برقراری ارتباط نداشتم ام. (رضا)	تجربه یادگیری زبان دوم ^۹
تجربه مشارکت در یک فرآیند فعالانه یادگیری زبان به من لذت بی نظیری می‌دهد. (هانیه)	لذت یادگیری زبان دوم ^{۱۰}
آرزوی زبانی ام این است که به سطح بالایی از زبان دست یابم. (ابوالفضل)	مهارت مطلوب در زبان دوم ^{۱۱}

مقاله موضوعی	مثال
تصویر آینده زبان دوم ^{۱۲}	پنج سال بعد، یک راهنمای سفر ماهر خواهم بود که می توانم به آسانی انگلیسی صحبت کنم. (فاطمه)
احساسات مثبت نسبت به متکلمان زبان دوم ^{۱۳}	در یک دهکده جهانی باید پذیرای شهروندان چند فرهنگی باشید. (بهراد)
محرك های درونی برای یادگیری زبان دوم ^{۱۴}	صرفاً یادگیری زبان انگلیسی را دوست دارم چرا که کار باحالی است. (مهدی)
محرك های بیرونی برای یادگیری زبان دوم ^{۱۵}	خانواده ام به این باور است که شغل آینده ام مستلزم سطح خوبی از انگلیسی است. (ضحی)
اهداف شخصی در یادگیری زبان دوم ^{۱۶}	به عقیده من، این که در مکالمات روزمره تان از کلمات انگلیسی استفاده نمائید با کلاس است. (سجاد)

۴. نتایج و بحث

۴-۱. عوامل تاثیرگذار بر انگیزش آغازین

جدول ۳ عوامل انگیزشی موجود در میان زبان آموزان در آغاز فرآیند یادگیری زبان را نشان می دهد. در این جدول وجود هر یک از عوامل انگیزشی در مصاحبه شرکت کنندگان با استفاده از علامت ستاره نشان داده شده است.

جدول ۳: انگیزش آغازین (مصاحبه اول)

نام	تجربه یادگیری زبان دوم	لذت یادگیری زبان دوم	مهارت مطلوب در زبان دوم	تصویر آینده زبان دوم	احساسات مثبت نسبت به متکلمان زبان دوم	محرك های درونی برای یادگیری زبان دوم	محرك های بیرونی برای یادگیری زبان دوم	اهداف شخصی در یادگیری زبان دوم
مهدی	*							
فاطمه			*	*				*
هانیه		*						
رضا	*		*					
بهراد					*	*	*	*

سپهر	*					
سجاد		*				
زهرا			*			
ابوالفضل				*		
ضحی					*	

همانطور که مشاهده می‌گردد، مقوله‌های اصلی انگیزشی که عمدتاً توسط زبان آموزان در این دور از مصاحبه انتخاب گردیدند به ترتیب عبارت از «محرک‌های بیرونی برای یادگیری زبان دوم»، «سطح مهارت مطلوب در زبان دوم» و «اهداف شخصی در یادگیری زبان دوم» بودند. این یافته در راستای تحقیقات گذشته بود که در آنها محرک‌های بیرونی، مهارت زبانی و اهداف شخصی نقش کلیدی در انگیزه دادن به زبان آموزان در آغاز یک دوره آموزشی داشت (Campbell & Storch, 2011; Yaghoubinejad et-al, 2016). نگاهی گذرا به تحقیقاتی که اخیراً در ایران صورت پذیرفته اند بر این حقیقت صحنه میگذارد که نگرش والدین ایرانی به زبان آموزی فرزندانشان یک عامل انگیزشی قدرتمند می باشد (قربان دردی نژاد، ۱۳۹۴). ضحی یکی از آن زبان آموزانی بود که با انگیزه‌های بیرونی در این دوره ثبت نام کرده بود و به فشار والدین بعنوان محرک اصلی برای شرکت در این دوره درسی اشاره نمود. او اینگونه اظهار داشت:

«پدرم یک آژانس مسافرتی دارد. مادرم هم در این آژانس کار می‌کند. به عقیده آنها من هم در آینده چنین شغلی خواهم داشت. مشکل اصلی که آنها در حال حاضر با آن دست و پنجه نرم می‌کنند به سطح پایین زبان انگلیسی کارکنانشان مربوط می‌گردد. آنها به کسی احتیاج دارند که از قابلیت کافی برای پرداختن به چنین شرایطی برخوردار باشد.» (مصاحبه اول)

بر همین منوال، دلایل برخی دیگر از زبان آموزان برای حضور در این دوره به تمایلشان برای رسیدن به سطح قابل قبولی از زبان انگلیسی مربوط می‌شد. این دسته از زبان آموزان برخلاف شرکت‌کننده قبلی، به دنبال یک هدف خاص در آینده نبودند، اما بنا به دلایلی بدنبال کسب سطح تثبیت یافته‌ای از زبان دوم بودند. هانیه اینگونه اظهار داشت که عاشق فیلم است و دانش عمیقی در این باره دارد. با این وجود، دانش زبانی اش کاملاً کم مایه است و باعث شده است که از درک کامل از محتوای فیلم محروم گردد. در ادامه اظهار نظر وی آمده است:

«می‌دونید، من، اوووووم، من یه جورایی عاشق فیلم ام. این موضوع مورد علاقمه، اما نمی‌تونم

بفهمم که بازیگران دقیقاً چه می‌گویند، منظورم موضوع فیلمه. چندین دوره ساخت فیلم را گذرانده‌ام، اما می‌دونید، مثل همیشه، نمی‌توانم حرف‌های بازیگران را به خوبی متوجه شوم. امیدوام این مشکل در آینده حل شود.» (مصاحبه اول)

آخرین عامل انگیزشی عمده در دور اول مصاحبه‌ها «اهداف شخصی در یادگیری زبان دوم» بود. در میان شرکت‌کنندگان چهار نفر به این عامل به عنوان انگیزه اصلی شان برای شرکت در یک کلاس زبان آموزی اشاره نمودند. آنها مجموعه‌ای از اهداف شخصی داشتند و در تلاش بودند که تا پایان این دوره به این اهداف دست یابند. از این میان می‌توان به بهراد اشاره نمود که آرزویش گرفتن پذیرش دوره ارشد از یکی از دانشگاه‌های آمریکایی بود:

«آرزوی قلبی من این است که در یکی از بهترین دانشگاه‌های آمریکا ادامه تحصیل دهم. تا جائیکه بنده اطلاع دارم، دانشگاه‌های آمریکایی نمره آیتس می‌خواهند و یک نمره متوسط هم برای این هدف کفایت می‌کند. به تصورم مسیر طولانی را برای رسیدن به این مقصد دارم، با این وجود، شرکت در یک کلاس مهارت زبانی می‌تواند نقطه آغاز خوبی برای این کار باشد.» (مصاحبه اول)

۲-۴. عوامل تأثیرگذار بر انگیزش تکالیف

عناصر انگیزشی مرتبط با دور دوم مصاحبه‌ها در جدول ۴ به تصویر کشیده شده‌اند.

جدول ۴: انگیزش تکالیف (مصاحبه دوم)

نام	تجربه یادگیری زبان دوم	لذت یادگیری زبان دوم	مهارت مطلوب در زبان دوم	تصویر آینده زبان دوم	احساسات مثبت نسبت به متکلمان زبان دوم	محورهای درونی برای یادگیری زبان دوم	محورهای بیرونی برای یادگیری زبان دوم	اهداف شخصی در یادگیری زبان دوم
مهدی				*	*			
فاطمه	*			*	*			*
هانیه	*							
رضا	*		*			*		
بهراد		*	*		*			*
سپهر		*	*		*			
سجاد		*			*			*

نام	تجربه یادگیری زبان دوم	لذت یادگیری زبان دوم	مهارت مطلوب در زبان دوم	تصور آینده زبان دوم	احساسات مثبت نسبت به متکلمان زبان دوم	محرك های درونی برای یادگیری زبان دوم	محرك های بیرونی برای یادگیری زبان دوم	اهداف شخصی در یادگیری زبان دوم
زهرا	*					*		
ابوالفضل	*				*			*
ضحی	*			*		*		

همانگونه که در این جدول پیداست، بجز «اهداف شخصی در یادگیری زبان دوم»، که در هر دو دور مصاحبه ها اهمیت یکسانی داشت، عوامل عمده انگیزشی دور اول در این دور کمترین میزان اهمیت را از سوی شرکت کنندگان دریافت نمودند. این یافته نتایج تحقیقات گذشته در خصوص انگیزش مربوط به تکالیف را تأیید نمود که در آنها هر چه دانش آموزان درگیری بیشتری با تکالیف زبانی داشتند، احتمالات انگیزشی بیشتری بوجود می آمدند که زبان آموزان را از محرك های بیرونی به سمت محرك های درونی و دارای ارتباطات پویا سوق می دادند (Dörnyei, 2009; Kormos & Dörnyei, 2004).

مقوله های عمده ای که در این دور مصاحبه ذکر شدند شامل «لذت یادگیری زبان دوم» و «محرك های درونی برای یادگیری زبان دوم» بودند. هفت نفر از شرکت کنندگان از «لذت یادگیری زبان دوم» بعنوان تنها عامل بسیار مهم در انگیزش پیدا کردن برای یادگیری زبان نام بردند. دلیل خشنودی آنها به نوع تکالیف که با آنها سروکار داشتند مربوط می شد. از نظر ابوالفضل نوع تکالیف ارتباطی- استدلالی که توسط معلم به کار گرفته شد یک عامل انگیزشی مهم بود. او اینگونه اظهار داشت:

«امروز فهمیدم که فرآیند یادگیری زبان می تواند هم سرگرم کننده باشد هم نوعی تجربه زندگی واقعی باشد! در موقعیتی قرار داده شدیم تا در خصوص یک موضوع واقعی تصمیم بگیریم. همه با هم همکاری می کردیم و در این حین از یکدیگر خیلی چیزها یاد گرفتیم. این اولین باری بود که از یک زبان جدید بعنوان ابزاری برای زندگی اجتماعی استفاده کردم.» (مصاحبه دوم)

این یافته دقیقاً در راستای تحقیق کورموس و دورینه (۲۰۰۴) قرار دارد که در آن دیدگاه

های شرکت کنندگان به کلاس و تکالیف زبان دوم یکی از عوامل بسیار مهم و تأثیرگذار بر انگیزش مربوط به انجام تکالیف زبان دوم بود. «محرک های درونی برای یادگیری زبان دوم» دومین عامل انگیزشی مهم در جریان انجام تکالیف بود. برخی از شرکت کنندگان در خصوص حس کردن نوعی قرابت بین نوع شخصیتشان و نوع تکالیف صحبت نمودند. آنها این احساس را داشتند که گویی شرکت داشتن در این تکلیف ارتباطی خاص نوعی اشتیاق درونی را در آنها جرقه زده بود تا با اعمال سخت کوشی بیشتر انتظار موفقیت در انجام تکالیف را داشته باشند. بریده زیر که از صحبت های سجاد برگرفته شده است می تواند این حقیقت را به تصویر کشد: «روپهم رفته، انجام تکالیف را دوست دارم. امروز صبح معلم مان ما را به انجام تکلیفی وا داشت که لازمه اش برقراری ارتباط و ارائه استدلال بود. به نظرم این تکلیف تناسب خوبی داشت، علی الخصوص به شخصیت خودم می خورد. از دوست هام هم چیزهای زیادی یاد گرفتم» (مصاحبه دوم)

۳-۴. عوامل تأثیرگذار بر انگیزش پایانی

جدول ۵ بطور خلاصه داده های جمع آوری شده در دور سوم مصاحبه ها را نشان می دهد.

جدول ۵: انگیزش پایانی (مصاحبه آخر)

نام	تجربه یادگیری زبان دوم	لذت یادگیری زبان دوم	مهارت مطلوب در زبان دوم	تصور آینده زبان دوم	احساسات مثبت نسبت به متکلمان زبان دوم	محرک های درونی برای یادگیری زبان دوم	محرک های بیرونی برای یادگیری زبان دوم	اهداف شخصی در یادگیری زبان دوم
مهدی					*			
فاطمه	*			*	*		*	
هانیه		*						
رضا	*		*		*			
بهراد		*		*	*		*	
سپهر	*	*	*		*			
سجاد	*	*			*			*
زهرا		*				*		

نام	تجربه یادگیری زبان دوم	لذت یادگیری زبان دوم	مهارت مطلوب در زبان دوم	تصویر آینده زبان دوم	احساسات مثبت نسبت به متکلمان زبان دوم	محرك های درونی برای یادگیری زبان دوم	محرك های بیرونی برای یادگیری زبان دوم	اهداف شخصی در یادگیری زبان دوم
ابوالفضل					*	*	*	*
ضحی	*		*		*			

«لذت یادگیری زبان دوم» و «محرك های درونی برای یادگیری زبان دوم» اهمیت یکسانی را در این دور از مصاحبه ها دریافت نمودند. هر دوی آنها شش بار در مصاحبه های شرکت کنندگان دیده شدند اگرچه در مقایسه با دور قبل مصاحبه ها، عامل اول یکبار کمتر در حالیکه عامل دوم یکبار بیشتر ملاحظه گردید. نوع انگیزش حاصله از مشارکت در اجرای تکالیف به عملکرد بعدی آنها در طول ترم منتهی گردیده بود. همانگونه که گزیده زیر نشان می دهد، فاطمه انگیزشش برای ادامه دادن جدی تر این دوره زبان آموزی را به نوعی لذت درونی حاصل شده از تمرین زبانی قبلی (بعبارتی همان انجام تکالیف) نسبت داد:

« در آغاز این دوره تصور نمی کردم که چنین درس درگیر کننده ای از آب درآید. می دانید چه می گویم، به نوعی دیدگاه مکانیکی از این دوره دست یافته بودم، نوعی یادگیری برخی نظریات و به کار بستن آنها در برخی تمارین. اما روی دیگر سکه زمانی نمایان شد که خودم را در حال اجرای برخی تکالیف بازی گونه یافتم. این همان نقطه ای بود که جنبه های مکانیکی و احساسی درس تلاقی پیدا کردند. جنبه احساسی آن را بیشتر دوست داشتم و همین باعث شد تا دیدگاه های اولیه ام را به دوره تغییر دهم.» (مصاحبه سوم)

در این دور از مصاحبه ها، «تجربه یادگیری زبان دوم» و «اهداف شخصی در یادگیری زبان دوم» جفت دیگری از عوامل انگیزشی بسیار مهم بودند که چهار بار در پاسخ های شرکت کنندگان دیده شدند. برخلاف عامل دوم که در هر سه دور از مصاحبه ها میزان تأثیرگذاری اش را حفظ نمود (چهار بار در هر مصاحبه)، عامل اول در دور سوم مصاحبه دو برابر بیشتر شد. سپهر یکی از آن زبان آموزانی بود که در نهایت و در پایان مصاحبه ها به این عامل انگیزشی اشاره نمود:

« در جریان هفته های نخستین تصویر خیلی مبهمی از این دوره داشتم چرا که فصول آغازین بیشتر حالت نظری داشتند. با این حال، به محض اینکه برخی از دروس کاربردی نظیر استفاده کارآمد از فرهنگ لغت، قواعد مربوط به املا، ترکیب و ریشه شناسی کلمات و دیگر نکات مفید را یاد گرفتم، تصویر بهتری از آنچه که در حال یادگیری اش بودم را شکل دادم» (مصاحبه سوم)

۴-۴. نوسانات انگیزشی و دلایل اصلی آنها

تحلیل داده ها نشان داد که «تجربه یادگیری زبان دوم» بعنوان یک عامل انگیزشی تدریجاً اهمیت یافت. نکته جالب توجه در خصوص این یافته این است که این عامل تنها ظرف مدت کوتاهی به چنین موقعیتی دست یافت. عموماً فرض بر این است که تجارب یادگیری قبلی در درازمدت بر یادگیری های بعدی تأثیر می گذارند. با این وجود، نگاهی گذرا به مصاحبه های شرکت کنندگان نقطه مقابل این باور را نشان می دهد. اگرچه در حد فاصل بین مصاحبه اول و دوم این عامل انگیزشی بطور یکسان باقی ماند (دو مورد در هر مصاحبه و آن هم توسط یک شخص واحد) اما در حد فاصل بین مصاحبه دوم و سوم اهمیت آن دو برابر گردید. جالب اینکه، شرکت کنندگان نوعی تغییر مثبت را در جهت گیری انگیزشی شان در طول دوره تجربه نمودند و آن هم تنها به خاطر تجربه کوتاه مدت شان از یادگیری زبان بود. درست به همین شکل نوعی تغییر در میزان اهمیت برخی دیگر از عوامل انگیزشی نیز یافت شد. برخلاف «محرک های درونی برای یادگیری زبان دوم»، «محرک های بیرونی» بیش از پیش اهمیت انگیزشی شان را از دست دادند، که این یافته بر یافته های قبلی که در موقعیت مشابه انجام شده بود صحه گذاشت (Sheikholeslami & Khayyer, 2006). این شرایط تا لحظه ای ادامه یافت که در مصاحبه آخر تنها یکی از شرکت کنندگان (ضحی) هنوز هم موفقیتش را به عوامل انگیزشی بیرونی نسبت می داد. همانگونه که در بخش مربوط به انگیزش تکالیف بحث گردید، کم کم تعداد شرکت کنندگانی که بطور درونی تحریک به انجام تکالیف شده بودند افزایش یافت و آنها تا پایان دوره نیز انگیزش شان را حفظ نمودند. سناریوی مشابهی برای «لذت یادگیری زبان دوم» تکرار گردید و تنها کمی تغییر در تعداد رخ دادن آن در مصاحبه های شرکت کنندگان ملاحظه شد (۷ و ۶ بار در مصاحبه های دوم و سوم در مقایسه با ۵ و ۶ بار تکرار «محرک های درونی برای یادگیری زبان دوم»). علاوه بر این، «مهارت مطلوب در زبان دوم» که در آغاز دوره از اهمیت انگیزشی بسیار بالایی برخوردار بود (۴ تکرار)، در جریان انجام

تکالیف و در پایان دوره در حالت ثابت و ضعیفی باقی ماند (۲ تکرار در هر یک از این دوره ها). این یافته از این حقیقت پرده برداشت که شرکت کنندگانی وجود داشتند که اولویت شان دیگر تلاش برای رسیدن به سطوح بالاتری از قابلیت زبانی نبود. یک یافته جالب دیگر این بود که «اهداف شخصی در یادگیری زبان دوم» در یک حالت ثابت متوسط در جریان تمامی مصاحبه ها باقی ماند (۴ بار تکرار توسط اشخاص یکسان). سرمنشأ چنین رفتار باثباتی را می توان در اصل ثبات مرتبط با سیستم های پیچیده یافت که به خود سازماندهی آنها در حالات باثبات (Hiver, 2015) مربوط می گردد. سرانجام اینکه، «تصاویر آینده زبان دوم» و «احساسات مثبت نسبت به متکلمان زبان دوم» مقوله های انگیزشی بودند که در جریان هر سه دور مصاحبه ها کمترین میزان تکرار را داشتند. علی رغم این حقیقت که آنها ضعیف ترین عوامل انگیزشی در طول کل تحقیق بودند، نکته جالب و غیرمنتظره درباره آنها این است که جنسیت های مختلف رفتارهای متفاوتی در قبال این عوامل داشتند. در هر دور از مصاحبه ها، عامل اول توسط شرکت کنندگان یکسانی انتخاب گردید (فاطمه و ضحی)، در حالیکه عامل دوم توسط شرکت کنندگان دیگری انتخاب شد (بهراد و سپهر).

جدول ۶: نوسانات در انگیزش شرکت کنندگان (بین مصاحبه اول و دوم)

نام	تغییر کلی در شدت انگیزشی	دلیل
مهدی	انگیزش ضعیف تر	عدم دریافت آنچه انتظارش را داشت.
فاطمه	انگیزش قوی تر	تجسم کردن نوعی تصویر شخصی قوی در آینده.
هانیه	انگیزش ضعیف تر	عدم وجود پیشرفت زیاد در مهارت زبان دوم.
رضا	عدم وجود پیشرفت	دلیل خاصی ذکر نشد.
بهراد	انگیزش قوی تر	سخت کوشی برای تحقق بخشیدن به آرزوهای قدیمی.
سپهر	انگیزش قوی تر	حساس شدن نسبت به درک متقابل میان فرهنگی.
سجاد	انگیزش قوی تر	احساس کردن وجود تناسب بین نوع تکلیف و نوع شخصیت.
زهرا	عدم وجود پیشرفت	دلیل خاصی ذکر نشد.
ابوالفضل	انگیزش قوی تر	درگیر شدن با تکالیف شبیه سازی شده به دنیای واقعی.
ضحی	انگیزش قوی تر	رسیدن به چیزهای مورد نیاز برای شغل آینده.

جدول ۷: مقایسه انگیزش کلی از مصاحبه اول تا مصاحبه سوم

نام	شدت انگیزشی
مهدی	پائین تر
فاطمه	بالا تر
هانیه	پائین تر
رضا	یکسان
بهراد	بالا تر
سپهر	بالا تر
سجاد	بالا تر
زهرا	یکسان
ابوالفضل	بالا تر
ضحی	بالا تر

برخی از تغییرات در شدت انگیزش کلی شرکت کنندگان دیده شد. جهت و دلایل اصلی این تغییرات در جدول های ۶ و ۷ گزارش شده اند. در حد فاصل بین دور اول و دوم مصاحبه ها، بیشتر شرکت کنندگان نوعی پیشرفت در انگیزش شان تجربه نمودند. با این وجود، میزان انگیزش دو نفر از آنها (رضا و زهرا) یکسان باقی ماند و دو نفر دیگر (مهدی و هانیه) در هر دو دور مصاحبه ها و همه عوامل انگیزشی نوعی کاهش را تجربه نمودند. صرف نظر از داده های این چهار شرکت کننده، در انگیزش کل گروه نوعی افزایش دیده شد، اگرچه در میان شرکت کنندگان واحد نوعی تغییرات فردی مربوط به سرعت تغییر در انگیزش و متغیرهای تأثیرگذار بر آن وجود داشت. این یافته بر یافته های مطالعات مشابهی صحت گذاشت که ادعای وجود خط سیرهای منحصر به فرد و نه رویکردهای کلی در فرآیند شکل گیری زبان دوم داشتند (Dörnyei et-al, 2015). «لذت یادگیری زبان دوم»، «محرک های درونی برای یادگیری زبان دوم» و «اهداف شخصی در یادگیری زبان دوم» در میان عواملی بودند که در اثبات این دو بازه زمانی بیشترین تأثیر را بر روی انگیزش شرکت کنندگان داشتند. دو عامل اول دقیقاً توسط یعقوبی نژاد و همکارانش (۲۰۱۶) بعنوان عوامل انگیزشی موجود در ورای یادگیری زبان دوم زبان آموزان ایرانی ذکر شدند. این یافته حاکی از وجود شواهدی برای انحصار فرهنگی برخی از عوامل انگیزشی داشت.

داده های ارائه شده در این جدول ها و تحلیل های بحث شده در ادامه آنها حاکی از وجود تاثیر انگیزش مربوط به تکالیف بر انگیزش کلی است. بعلاوه، علائم آشکاری از سیستم های پیچیده و پویا در انگیزش زبان آموزان در طول این بازه های زمانی مشاهده گردید. همانگونه که می توان در جدول های بالا مشاهده نمود برخی از مشخصه های اصلی سیستم های پیچیده و پویا در داده های شرکت کنندگان وجود داشتند که از این میان می توان از ثبات، تغییر، بالا و پائین، جریانات تند و جریانات باثبات نام برد.

5. نتیجه گیری

تحقیق حاضر از یک رویکرد کیفی برای بررسی پویایی موجود در انگیزش گروهی از زبان آموزان در بازه های زمانی کوتاه و درازمدت استفاده نمود و تلاش کرد تا نشان دهد که تجارب انگیزشی زبان آموزان چگونه در جریان این بازه ها بصورت پویا تغییر و تعامل دارند. نتایج تحقیق به روشنی حاکی از وجود تغییرات زمانی در انگیزش شرکت کنندگان بودند. همچنین، داده های تحقیق نشان دادند که انگیزش متوسط گروه بطور بیش از پیشی به سمت یک حالت ثابت کلی در حال افزایش بود، اگرچه تغییرات منحصر به فردی نیز مشاهده گردید. علاوه بر این، از این حقیقت پرده برداشته شد که عوامل تأثیرگذار بر انگیزش آغازین فراگیران در جریان انجام تکالیف از تأثیرگذاری کمتری برخوردار بودند. هر چه شرکت کنندگان بیشتر درگیر اجرای تکالیف می شدند، رضایت و خشنودی درونی آنها بیشتر می شد. سرانجام اینکه، آشکار گردید که انگیزش زبان دوم متشکل از مجموعه ای از عوامل پیچیده و پویاست که در جریان بازه های زمانی مختلف دچار نوسان شده و در هر بازه زمانی خاص از شدت انگیزشی متفاوتی برخوردارند.

از تحقیق حاضر می توان تلویحات تحقیقی زیر را برای حوزه انگیزش زبان دوم استخراج نمود. یکی از مفاهیم اصلی رویکرد پویا و پیچیده به انگیزش زبان دوم این است که این متغیر ثابت نیست و لذا در طول زمان تغییر می یابد. این باور در تحقیق حاضر تایید گردید، بنابراین می بایست معلمان تصورات ثابت و ساکن شان در مورد انگیزش زبان دوم را تغییر دهند. اینگونه است که عملکرد همزمان چندین عامل و تعامل پویا و مستمر آنها در فرآیند انگیزش زبان دوم مورد توجه قرار می گیرد. در نتیجه معلمان از عوامل انگیزشی مختلفی آگاهی

خواهند یافت که احتمالاً انگیزش دانش‌آموزان را به جهات مثبت یا منفی سوق می‌دهند و لذا می‌توانند جنبه‌های مثبت را تقویت کرده، در حالی که از جنبه‌های منفی پرهیز نمایند. بعلاوه، تمایلات انگیزشی متفاوت فراگیران پسر و دختر این ضرورت را ایجاب می‌نماید که معلمان رفتارهای متفاوتی در قبال گروه‌های ظاهراً همگن فراگیران داشته باشند.

باید خاطر نشان شود که تحقیق حاضر محدودیت‌هایی هم دارد. محدودیت اول این تحقیق به تعداد شرکت‌کنندگان مربوط می‌گردد. به منظور اینکه تعمیم‌پذیری نتایج بالا رود می‌توان از جمعیت‌های آماری بزرگتری استفاده نمود. علاوه بر این، شرکت‌کنندگان در این مطالعه دو زبانه‌های فارسی-انگلیسی بودند. برای غنی‌تر ساختن یافته‌های کلی تحقیق می‌توان به بررسی رفتارهای انگیزشی گروه‌های دو زبانه دیگر نیز پرداخت. همچنین پیشنهاد می‌گردد که انگیزش زبان‌آموزان حاضر در موسسات غیردولتی نیز از این نقطه نظر مورد مطالعه قرار گیرد، چرا که ماهیت غیراجباری بودن آن می‌تواند بر عوامل انگیزشی تأثیرگذار باشد. بعلاوه، بررسی این عوامل در طول دوره‌های طولانی‌تر می‌تواند تصویر دقیق‌تری از نوسانات زمانی انگیزشی به دست دهد.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. Process model
2. L2 motivational self system
3. Chaos theory
4. Dynamic system theory
5. timescale
6. motivational transformational episodes
7. Oxford placement test
8. inter-rater reliability
9. L2 learning experience
10. L2 learning enjoyment
11. L2 desired proficiency
12. L2 future image
13. positive feelings towards L2 speakers
14. internal incentives for L2 learning
15. external incentives for L2 learning
16. personal pursuits in L2 learning

۷. منابع

- قربان دوردی نژاد، فرهاد. (۱۳۹۴). « ساخت، رواسازی و پایاسازی پرسش‌نامه انگیزش و نگرش یادگیری زبان انگلیسی». *جستارهای زبانی*، د ۶ ش ۲ (پیاپی ۲۳)، صص ۱۰۷-۱۲۸.
- Busse, V. & C. Walter (2013). "Foreign language learning motivation in higher education: a longitudinal study of motivational changes and their causes". *The Modern Language Journal*. 97(2). Pp. 435-456. [doi:10.1111/j.1540-4781.2013.12004.x](https://doi.org/10.1111/j.1540-4781.2013.12004.x)
- Campbell, E. & N. Storch (2011). "The challenging face of motivation: a study of second language learners' motivation over time". *Australian Review of Applied Linguistics*. 34(2). Pp. 166-192. doi:10.1075/ara1.34.2.03cam
- de Bot, K. (2012). "Time scales in second language development". *Dutch Journal of Applied Linguistics*. 1(1). Pp. 143-149. doi:10.1075/dujal.1.1.10deb
- de Bot, K. (2015). "Rates of change: timescales in second language development". In Z. Dörnyei, A. Henry & P.D. MacIntyre (eds.) *Motivational dynamics in language learning*. Bristol: Multilingual Matters. Pp. 29-37.
- Denzin, K.N. & Y.S. Lincoln (2005). *The sage handbook of qualitative research*. Sage.
- Dörnyei, Z. (2002). "The motivational basis of language learning tasks". In P. Robinson (ed.) *Individual differences and instructed language learning*. Amsterdam: John Benjamins. Pp. 137-158. doi:10.1075/llt.2.10dor
- Dörnyei, Z. (2005). "New ways of motivating foreign language learners: generating vision". *Links*. 38. Pp. 3-4.
- Dörnyei, Z. (2009). "The L2 motivational self system". In Z. Dörnyei & E. Ushioda (eds.) *Motivation, language identity and the L2 self*. Bristol: Multilingual Matters. Pp. 9-42.
- Dörnyei, Z. (2014). "Researching complex dynamic systems: 'retroductive

- qualitative modelling' in the language classroom". *Language Teaching*. 47(1). Pp. 80–91. doi:0.1017/S0261444811000516
- Dörnyei, Z., A. Henry & P.D. MacIntyre (2015). *Motivational dynamics in language learning*. Bristol: Multilingual Matters.
 - Dörnyei, Z. & I. Ottó (1998). "Motivation in action: a process model of L2 motivation". *Working Papers in Applied Linguistics*. 4. Pp. 43–69. London: Thames Valley University.
 - Hiver, P. (2015). "Attractor states". In Z. Dörnyei, A. Henry, and P.D. MacIntyre (eds.) *Motivational dynamics in language learning*. Bristol: Multilingual Matters. Pp. 20–28.
 - Kormos, J. & Z. Dörnyei (2004). "The interaction of linguistic and motivational variables in second language task performance". *Zeitschrift für interkulturellen Fremdsprachenunterricht*. 9(2). Pp. 1–19.
 - Larsen-Freeman, D. (2015). "Ten 'lessons' from complex dynamic systems theory: what is on offer". In Z. Dörnyei, A. Henry & P.D. MacIntyre (eds.) *Motivational dynamics in language learning*. Bristol: Multilingual Matters. Pp. 11–19.
 - MacIntyre, P.D. & A. Serroul (2015). "Motivation on a per-second timescale: examining approach-avoidance motivation during L2 task performance". In Z. Dörnyei, A. Henry & P.D. MacIntyre (eds.) *Motivational dynamics in language learning*. Bristol: Multilingual Matters. Pp. 109–138.
 - Papi, M. & Y. Teimouri (2012). "Dynamics of selves and motivation: a cross-sectional study in the EFL context of Iran". *International Journal of Applied Linguistics*. 22(3). Pp. 287–309. doi:10.1111/j.1473-4192.2012.00312.x
 - Poupore, G. (2013). "Task motivation in process: a complex systems perspective". *Canadian Modern Language Review/La Revue canadienne des langues vivantes*. 69(1). Pp. 91–116. doi:10.3138/cmlr.1139
 - Ritchie, J. & L. Spencer (2002). "Qualitative data analysis for applied policy research". In A.M. Huberman & M.B. Miles (eds.) *The qualitative researcher's*

companion. London: Sage. Pp. 305–329.

- Shaikholeslami, R. & M. Khayer (2006). “Intrinsic motivation, extrinsic motivation, and learning English as a foreign language”. *Psychological reports*. 99(3). Pp. 813–818. doi:10.2466RR0.99.3.813-818
- Shoaib, A.M. & Z. Dörnyei (2005). “Affect in life-long learning: exploring L2 motivation as a dynamic process”. In P. Benson & D. Nunan (eds.) *Learners’ stories: difference and diversity in language learning*. Cambridge: Cambridge University Press. Pp. 22–41.
- Waninge, F.; Z. Dörnyei & K. de Bot (2014). “Motivational dynamics in language learning: change, stability, and context”. *The Modern Language Journal*. 98(3). Pp. 704–723. doi:10.1111/modl.12118
- Yaghoubinejad, H.; N. Zarrinabadi & S. Ketabi (2016). “Fluctuations in foreign language motivation: an investigation into Iranian learners’ motivational change over time”. *Current Psychology*. Pp. 1–10. doi:10.1007/s12144-016-9467-6